



مدیری، فاطمه؛ مهدوی، محمد صادق (۱۳۹۶). بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و عوامل اثرگذار بر آن با تاکید بر نقش دین داری، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۴ (۹)، ۱۵۵-۱۸۷.

## بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و عوامل اثرگذار بر آن با تاکید بر نقش دین داری

فاطمه مدیری<sup>۱</sup>، محمد صادق مهدوی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸

### چکیده

این مقاله به بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و عوامل موثر بر آن با تاکید بر نقش دین داری پرداخته است. جامعه آماری پژوهش افراد بالاتر از ۱۸ سال شهر تهران بوده و با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۶۰۰ نمونه انتخاب شده است. به لحاظ نظری از تئوری‌های تاثیر دین داری بر حوزه خانواده و تغییر نسلی ارزش‌های اینگلهارت و در تجزیه تحلیل آماری از آزمون‌های تفاوت میانگین، تحلیل واریانس، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد: ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل اول در ۹/۱۹ درصد افراد و محدود به پذیرش سقط جنین و لذت فردی بوده، در نسل دوم در ۱۴/۴۹ درصد و در نسل سوم در ۲۱/۷۱ درصد مشاهده شده و به پذیرش تساهل و تسامح در امور جنسی نیز تسری یافته است. ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در هر سه نسل متاثر از مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی اجتماعی و دین داری بوده و در نسل سوم به طور معناداری متاثر از مصرف رسانه نیز هست. در هر سه نسل اگرچه دین داری اثرگذارترین عامل بوده ولیکن توان تبیین آن از نسل اول به سوم کاهش یافته است.

**کلید واژه‌ها:** ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی؛ دین داری؛ نسل؛ جوامع فراصنعتی؛ مصرف رسانه.

<sup>۱</sup> استادیار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، ازدواج و طلاق، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، fateme.modiri@psri.ac.ir

<sup>۲</sup> استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)، s\_mahdavi@yahoo.com

\* این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی موثر بر ارزش‌های خانوادگی با تاکید بر نقش دین داری (مورد مطالعه: تحلیل نسلی در شهر تهران)" به راهنمایی دکتر محمد صادق مهدوی است که در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران دفاع شده است.

## ۱- مقدمه و بیان مساله

در گذشته‌ای نه چندان دور خانواده گسترده در شهر و روستا حاکم بود، خانواده مرکز تولید و اقتصاد محسوب می‌شد، در نظام سلسله مراتبی برتری والدین بر فرزندان، سالمندان بر جوانان و مردان بر زنان محرز بود، ازدواج تقریباً فسخ ناشدنی می‌نمود و زن تنها به همسری و فرزندآوری شناخته می‌شد. به دنبال تغییرات اقتصادی اجتماعی در دهه‌های اخیر، امروزه در بسیاری از جوامع، خانواده هسته‌ای جایگزین خانواده گسترده شده، دیگر خانواده مرکز تولید نبوده و فرزندآوری امری تصادفی و احتمالی نیست. بسیاری از زنان از تحصیلات بالا برخوردار گشته، تمایل به ازدواج زودرس در ایشان کاهش یافته، فرزندان کمتری می‌خواهند و برابرطلبی در ایشان به چشم می‌خورد.

همچنین با ورود برخی جوامع به گستره جوامع فراصنعتی، خانواده فردمحور نیز ظهور کرده که در آن فردگرایی و تساهل و تسامح در هنجارهای سنتی به‌وفور دیده می‌شود و ارزش‌های خوداظهاری و خودابرازی بر آن حاکمیت داشته و کنش افراد را رقم می‌زند. اگر چه امروزه گرایش به تغییر و تحول در همه حوزه‌ها از جمله خانواده به نوعی نشان از تداوم جوامع انسانی دارد اما از آنجا که این تغییرات مستلزم پیش زمینه مناسب است، اگر عناصر مختلف فرهنگی و گونه‌های متنوع آن بوجد آید، در صورتی که پیش زمینه مناسب برای آنها وجود نداشته باشد، موجب آسیب در آن حوزه شده و مقدمات ستیز، گسست و فروپاشی را فراهم می‌آورد.

در بیان عوامل موثر بر تغییرات حوزه خانواده علاوه بر سطوح توسعه اقتصادی و فاکتورهای مرتبط با آن در بسیاری از تحقیقات، نقش و تاثیر دین داری نیز مورد توجه بوده و تغییرات حوزه خانواده را متأثر از تغییرات حوزه دین و تاثیر آن بر نهاد خانواده دانسته‌اند. در جوامع سنتی همواره دین نقش بسزایی در شکل‌گیری ارزش‌های حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی داشته و این حوزه‌ها با ارزش‌های دینی هدایت می‌شده است. امروزه در برخی جوامع، کاهش مشارکت در سازمان‌های مذهبی، تغییرات تدریجی اعتقادات مذهبی، کاهش کارکردهای سنتی دین، تغییر در نظام‌های اعتقادی و افزایش مذهب شخصی به کرات گزارش شده و برخی معتقدند دین بخش قابل توجهی از تاثیر خود را در بیشتر بخش‌های زندگی اجتماعی از دست داده و مردم در تصمیم‌گیری‌های خود آزادند. بر اساس تئوری تمایز که هسته اصلی مدرنیزاسیون را تشکیل می‌دهد، تغییر در یک حوزه، حداقل تا حدودی مستقل از دیگر حوزه‌های اجتماعی بوده و توابع اصلی اجتماعی و یا حوزه‌های نهادی اصلی جامعه از یکدیگر

متفاوت شده و در مجموعه‌های تخصصی و سازمان یافته، در چارچوب نسبتاً خاص و نمادین مستقل، ایفای نقش می‌کنند (هالمن و پیترسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۳۰ به نقل از ایزنشتات<sup>۲</sup>، ۱۹۷۰). از طرف دیگر دگرگونی فرهنگی تدریجی است و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده، از این‌رو ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته گسترده‌اند، در حالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ داشته و با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر جهان بینی متداول در این جوامع دگرگون خواهد شد (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

به واسطه جهانی شدن، پیشرفت تکنولوژی و فرآیند مدرنیته در غرب ساختار اجتماعی خانواده ایرانی نیز پیامدهایی را در خود پذیرفته است. رشد شهرنشینی، افزایش تحصیلات، میزان استفاده از رسانه‌ها، افزایش امید به زندگی، کاهش فرزندآوری، بهبود امکانات پزشکی و بهداشتی و رشد شاخص توسعه انسانی همگی از جمله شاخص‌های نوسازی هستند که ایران در طول چند دهه گذشته تجربه کرده است. بهبود شاخص‌های تجددگرایی و نوسازی مذکور نشان از افزایش سطح توسعه اقتصادی و انسانی جامعه ایرانی دارد و به تبع آن تغییرات فرهنگی نیز به دنبال فرآیند نوسازی و تجددگرایی در جامعه ما به وقوع پیوسته است. همزمان با تغییر ساختار سنتی خانواده به ساختار جدید بسیاری از عناصر و اجزای خانواده از قبیل روابط زوجین، رابطه والدین با فرزندان، کارکردهای خانواده، سلسله مراتب درون خانواده، ازدواج و ... دچار تغییر شده است. در جامعه ما که در حال گذار از سنت به مدرنیته است، تغییراتی در خانواده که منطبق با این گذار باشد و پیش زمینه آن فراهم شده باشد، پذیرفته شدنی است. اما برخی تحقیقات نشان می‌دهد تغییراتی نوظهور در جامعه ما ایجاد شده که مستلزم توجه جدی است.

در ایران نگرشی مثبت به خانواده وجود دارد و فرد ایرانی همواره خانواده مدار بوده و بقای جامعه ایرانی بدون خانواده ممکن نبوده است. اما در عین حال تحقیقات اخیر حاکی است خانواده به ویژه نسل‌های جوان‌تر در تطابق خود با دگرگونی‌های اقتصادی اجتماعی با تناقضاتی مواجه شده و دچار مشکلات و مسائلی شده‌اند. شیوع این مشکلات و ژرفای برخی از آنها موجب شده برخی، وضعیت خانواده ایرانی را نابسامان و بحرانی اعلام کرده و اینکه خانواده

<sup>1</sup> Halman & Pettersson

<sup>2</sup> Eisenstadt

ایرانی دچار خستگی مفرط شده و ادامه وضعیت کنونی خانواده را به مخاطره می‌اندازد. افزایش میزان طلاق، افزایش خانواده‌های اضطراری، کاهش میزان ازدواج، افزایش سن ازدواج، افزایش مجرد قطعی، کاهش تمایل به فرزندآوری، تغییر در ارتباطات دختران و پسران جوان، روابط جنسی خارج از خانواده، روابط جنسی پیش از ازدواج، کاهش اعتماد بین‌فردی در خانواده، ضعف کارآمدی خانواده، خانواده‌های تک‌والد، فردگرایی مفرط، کاهش سرمایه اجتماعی در خانواده، همخانگی به عنوان شکلی از خانواده، تفاوت نسلی و گاهی تضاد نسلی از جمله نتایج اعلام شده در این تحقیقات می‌باشد (آزادارمکی، مدیری و وکیلی، ۱۳۸۹؛ آزادارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰؛ دلخوش، ۱۳۸۸؛ گودرزی، ۱۳۸۸؛ مشیدی، ۱۳۹۰؛ آزادارمکی، ۱۳۸۰)

همانطور که می‌بینیم این تحقیقات به نوعی نشان از تغییر ارزش‌ها و افزایش آزاداندیشی‌های پست‌مدرن دارد و چنین وضعیتی در جامعه ایرانی که همواره خانواده مداری از ویژگی‌های آن بوده سؤال برانگیز است و جای تامل دارد. به نظر می‌رسد تغییر در ارزش‌هاست که توانسته بسیاری از مسائل مربوط به حوزه خانواده از جمله شیوه‌های همسرگزینی، انتظارات زن و شوهر از یکدیگر و مناسبات بین آنها را تحت تاثیر قرار دهد و از آنجا که ارزش‌ها زیربنا و الگوی رفتار و اعمال به شمار می‌آیند و نقش اساسی در کنش‌های انسانی دارند، می‌توان نابسامانی‌های خانواده ایرانی را در تغییر ارزش‌های خانوادگی یا عواقب ناشی از تغییر ارزش‌های خانواده دانست. مضاف بر آن از آنجا که تغییر ارزش‌ها در خانواده در نسل جوان شیوع بیشتری داشته باید به این نکته توجه داشت که با توجه به حجم بالای جمعیت جوان، جوانان در تغییر ارزش‌ها می‌توانند به عنوان کارگزار فرهنگی عمل کرده و تحولات فرهنگی را رقم بزنند و بنابراین بررسی نسلی تغییرات فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در بیان عوامل موثر بر ارزش‌های خانواده ایرانی باید گفت از آنجا که دگرگونی‌های فرهنگی و ارزشی در همه جوامع یکسان نیست و این تغییرات و دگرگونی‌ها در هر کشوری با توجه به میراث فرهنگی آن جامعه تغییر می‌پذیرد و از آنجا که همواره دین در ایران جزء لاینفک فرهنگ بوده و هست و همواره در فرهنگ ایرانی به عنوان عامل اثرگذار در کنش‌های فردی و اجتماعی مطرح بوده بنابراین می‌بایست به عنوان عاملی محوری در جهت‌گیری ارزش‌های خانواده ایرانی مطرح باشد. فرد ایرانی علاوه بر خانواده‌مدار بودن همواره ویژگی دین‌مداری را نیز با خود داشته و دین بر تمامی ابعاد زندگی وی اثرگذار بوده و امروزه در عین حال با مدرنیته نیز داد و ستدی پیوسته برقرار کرده است. دین در ایران یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی به‌شمار می‌آید، چرا که دارای کارکردهای عمیق مستقیم و غیرمستقیم در سایر

حوزه‌های حیات اجتماعی ایرانیان از جمله فرهنگ، سیاست، روابط اجتماعی، خانواده، اوقات فراغت و ... است.

چنانکه گفتیم ارزش‌ها زیربنا و الگوی رفتار و اعمال افراد به شمار می‌آیند و نقش اساسی در کنش‌های انسانی دارند و بررسی وضعیت گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی و عوامل موثر بر آن می‌تواند وضعیت خانواده را به نمایش بگذارد و از آنجا که همواره دین عامل اثرگذار در کنش ایرانیان بوده و همواره جزء لاینفک فرهنگ ایرانی بوده می‌بایست توان بالایی در تبیین ارزش‌های خانوادگی داشته باشد. همچنین با توجه به اهمیت نسل جوان در شکل‌گیری ارزش‌ها و وجود تفاوت‌های نسلی و اثرگذاری آن سئوال‌ات اساسی که مطرح است این است که بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی چه روندی را نشان می‌دهد؟ رابطه میان ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی با ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در هر نسل چگونه است؟ عوامل موثر بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در هر نسل چیست؟ آیا در میان عوامل اثرگذار بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی، دین داری عامل تبیین‌کننده مهمی به شمار می‌آید و روند نسلی تاثیرگذاری آن چگونه است؟

## ۲- پیشینه تحقیق

### ۲-۱- پژوهش‌های تجربی

اگرچه مطالعات اندکی در حوزه ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی انجام شده اما مطالعات بسیاری به طور ضمنی به آن اشاره داشته یا عناصری از آن را مطرح کرده‌اند. بخشی از این مطالعات به توصیف تغییرات ایجاد شده در حوزه خانواده و پیامدهای آن اختصاص داشته است. به عنوان مثال آماتو<sup>۳</sup> نشان داده تغییر در ارزش‌های زناشویی بوقوع پیوسته است. او با استفاده از داده‌های پیمایش طولی از نمونه ملی در ایالات متحده افراد متاهل به بررسی چگونگی تغییر نقش جنسیتی و رابطه آن با کیفیت زندگی در بیش از یک دوره ۸ ساله با استفاده از مدل معادلات ساختاری پرداخته و نشان داده تغییر در نگرش‌های جنسیتی سنتی ایجاد شده و زنانی که نگرش‌های جنسیتی سنتی کمتری دارد کیفیت زندگی زناشویی پایین‌تر و مردانی که نگرش‌های جنسیتی سنتی کمتری دارد کیفیت زندگی زناشویی

<sup>3</sup> Amato

بالاتری را گزارش می‌کنند (آماتو، ۱۹۹۵: ۵۸). و یاچرلین<sup>۴</sup> در تحقیق خود نهادینه‌زدایی از ازدواج و حرکت به سمت ازدواج‌های فردی شده و گسترش آن را نشان داده و می‌نویسد "دو تغییر در ازدواج رخ داده که یکی تبدیل ازدواج نهادی به ازدواج اشتراکی است و تغییر دوم ایجاد ازدواج فردی با تاکید بر انتخاب شخصی و گسترش خود توسعه یافته است". او نتیجه گرفته اگرچه از اهمیت عملی ازدواج کاسته شده لیکن اهمیت نمادین آن همچنان باقی است و شاید بیشتر هم شده باشد. ازدواج تحت یک فرایند نهادینه زدایی قرار گرفته و تضعیف هنجارهای اجتماعی با افزایش تعداد و پیچیدگی همباشی‌ها مشاهده می‌شود (چرلین، ۲۰۰۴: ۴۸۴). همچنین آکسین و تورنتن<sup>۵</sup> (۱۹۹۳)؛ بامپس<sup>۶</sup> (۱۹۹۸)؛ منینگ، لانگ مور و جوردانو<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) نشان دادند آرایش‌های غیرسنتی، زندگی مشترک غیررسمی و همچنین پذیرش رابطه جنسی پیش از ازدواج در نزد جوانان و نوجوانان مقبولیت یافته و بیش از پیش مجاز شمرده شده است. رشد این انتخاب‌ها در طیفی از ناطمینانی نسبت به روابط پایدار در زندگی زناشویی است (دلخوش، ۱۳۸۸: ۲۰۹ - ۲۰۸).

بخشی از مطالعات نیز به تاثیر دین داری بر نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی اشاره داشته‌اند. به عنوان مثال در تحقیقات هربرگ<sup>۸</sup> (۱۹۹۵) و لنسکی<sup>۹</sup> (۱۹۶۱) که بر وضعیت ایالات متحده امریکا متمرکز است نشان داده شده تاثیر مذهب بر حوزه‌های دیگر اجتماعی مانند جوامع سنتی برقرار است و ارزش‌های حوزه‌های مختلف زندگی توسط ارزش‌های مذهبی هدایت می‌شوند (هربرگ، ۱۹۵۵: ۱۵). الیسون و شرکت<sup>۱۰</sup> نشان داده نگرش‌ها و رفتارهای وابسته به زندگی خانوادگی مانند انتخاب شریک زناشویی، کیفیت زندگی زناشویی، حجم خانواده، زمان تشکیل خانواده، نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی، نگرش‌ها و رفتارهای جنسی تحت تاثیر قوی اعتقادات مذهبی است (الیسون و شرکت، ۱۹۹۳: ۳۱۳). و متفاوت با آن دابلیر<sup>۱۱</sup> نشان می‌دهد تاثیر مذهب به عنوان زیر سیستمی در کنار زیر سیستم‌های دیگر کاهش یافته است (دابلیر، ۱۹۹۳: ۲۴) ویلسون<sup>۱۲</sup> نیز این رویه را تایید کرده و نشان داده این

<sup>4</sup> cherlin

<sup>5</sup> Axinn & Thornton

<sup>6</sup> Bumpass

<sup>7</sup> Manning , Longmore & Giordano

<sup>8</sup> Herberg

<sup>9</sup> Lenski

<sup>10</sup> Ellison & Sherkat

<sup>11</sup> Dobbelaere

<sup>12</sup> Wilson

وضعیت منجر به از دست دادن اهمیت اجتماعی نهاد‌های مذهبی، فعالیت‌های مذهبی و نوع تفکر مذهبی شده است. به عبارت دیگر سیستم‌های اعتقاد به باورهای مذهبی و موعظه‌های کلیسا که قابل پذیرش اکثریت مردم بود توسط نظام‌های باور فردی و اعتقادات اجتماعی اخلاقی جایگزین شده و دین و مذهب به یک موضوع خصوصی و آزاد از کارکردهای اجتماعی سابق خود تبدیل شده است (ویلسون، ۱۹۹۶: ۳۳).

در مطالعات داخلی نیز برخی بر توصیف تغییرات ایجاد شده در حوزه خانواده و عوامل اثرگذار بر آن پرداخته‌اند. به عنوان مثال مشیدی به تحول شیوه‌های همسرگزینی از تبعیت از خانواده به عشق آزاد، از الگوهای مشخص و روشن به ابهام در الگوها، از تحصیل منافع به سبب تبعیت از والدین به تحصیل منافع بر اساس معیارهای فردی انتخاب آزاد همسر، حرکت از تشکیل خانواده سنتی با ثبات هدف‌مند به خانواده جدید بی‌ثبات و بی‌هدف، حرکت ارزش‌های خانواده از ارزش‌های سنتی مبتنی بر پایداری و حفظ خانواده به سوی ارزش‌های جدید و از بین رفتن قبح طلاق و رواج جدایی در شهر اراک اشاره داشته است (مشیدی، ۱۳۹۰). همچنین نیازی و پرنیان در مقاله سنخ‌بندی دوستی‌های بین دو جنس در شهر کرمانشاه با استفاده از روش کیفی و به‌کارگیری تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و تعاملی، با ۴۸ نفر از دخترانی که در این‌گونه روابط درگیر بودند، نشان دادند شش سنخ ارتباط با جنس مخالف در بین دختران وجود دارد که شامل روابط ناب، روابط مصلحتی، روابط هم‌بالینی، روابط ازدواج‌محور، روابط ابزاری و روابط سیال‌اند. براساس یافته‌ها، همه سنخ‌های ارتباطی (به غیر از رابطه ناب)، از گفتمان پسامدرن متأثر بوده و ویژگی‌هایی چون سیالیت، شکنندگی، مقطعی بودن، عدم تعهد، و تکثرگرایی در دوستی دارند. رابطه ناب نیز متأثر از گفتمان مدرن ویژگی‌هایی مانند تعهد و تعلق عاطفی، عشق، رابطه جنسی و نگرش غیرابزاری به رابطه دارد (نیازی و پرنیان، ۱۳۹۳). مدیری و مهدوی نیز در بیان عوامل موثر بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی نشان داده‌اند، اگرچه خانواده در ایران از اهمیت بالایی برخوردار است اما عناصری از ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی مشاهده می‌شود که متأثر از نسل، تجرد، احساس ناامنی اقتصادی، مصرف رسانه و درآمد است (مدیری و مهدوی، ۱۳۹۴).

برخی از مطالعات بر وجود تفاوت‌های نسلی در حوزه خانواده تاکید داشته‌اند. به عنوان مثال ربانی و صفایی‌نژاد هدف کلی تحقیق خود را پی بردن به پیامدها و آثار تغییرات اجتماعی‌فرهنگی بر فاصله نسلی معرفی کرده و نتیجه گرفته، بین نسل جوان و بزرگترها از

لحاظ میزان دینداری رابطه وجود دارد. بین اولویت‌های ارزشی نسل جوان و بزرگترها رابطه وجود دارد اما در عین حال تفاوت‌هایی بین دو گروه در متغیرهای مورد سنجش نشان داده شده است (ربانی خوراسگانی و صفایی نژاد، ۱۳۸۴) و آزادارمکی بر اساس نتایج پژوهشی خود در خصوص شکاف نسلی در خانواده در سطح شهر تهران چنین نتیجه‌گیری می‌کند که با توجه به افزایش جمعیت جوان جامعه ایرانی با تفاوت نسلی روبرو شده و ضمن اینکه نسل پیرتر و نوجوانان و کودکان وجود دارند، جوانان به عنوان یک گروه اجتماعی جدید مطرح شده‌اند. جوانان از لحاظ نحوه گذران اوقات، دوست یابی، علایق و نیازها و توجه به زندگی خانوادگی با پیران متفاوتند اما این تفاوت به گونه‌ای نیست که آنها را در مقابل یکدیگر قرار دهد. با توجه به اهمیت خانواده و نظام ارزشی خانواده از منظر اکثریت آنها خانواده توانسته تا حدود زیادی حوزه ارتباطی بین نسلی باشد (آزادارمکی، ۱۳۸۰: ۶۹).

برخی از مطالعات داخلی نیز به تاثیر دین داری بر نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی و مقایسه آن با دیگر حوزه‌ها اختصاص داشته است. به عنوان مثال آزادارمکی و مدیری در مقاله خود با عنوان تأثیر متفاوت دینداری بر حوزه‌های عمومی و خصوصی با استفاده از داده‌های طرح ملی ارزش‌های اجتماعی فرهنگی ایرانیان آورده‌اند: نکات مهم در زندگی ایرانیان به ترتیب ارزش‌های مربوط به خانواده، کار و سیاست است. رابطه میان دینداری و حوزه خانواده بیش از رابطه میان دین داری و حوزه سیاست و کار است که این یافته تئوری قطعه قطعه شدن ارزش‌ها را تأیید می‌کند (آزادارمکی و مدیری، ۱۳۹۰). مرتضی زین‌آبادی در تحلیل ثانویه دو پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان داده ارتباط مثبت قوی میان نگرش‌های مذهبی با رفتارهای خانوادگی نظیر مشورت‌کردن، درد دل کردن، پرهیز از خشونت و اختلاف، پرهیز از تنبیه کودکان، پرهیز از دخالت در زندگی فرزندان و تمایل به زندگی مستقل فرزندان وجود دارد (زین‌آبادی، ۱۳۸۵). و ملکی به بررسی تأثیر نوسازی بر نظام ارزشی پرداخته است. او به مطالعه مؤلفه‌های سنتی (دینداری و خانواده گرایی)، مدرن (انگیزه موفقیت) و فرامدرن (تساهل جنسی و فرامادی‌گرایی) پرداخته و نتیجه گرفته: در ایران سالخوردگان، کم‌سوادان و فقیران بیشتر از جوانان، دانشگاهیان و ثروتمندان به ارزش‌های سنتی پایبندند. مهم‌ترین متغیر نوسازی تحصیلات است که بر تمامی مؤلفه‌های ارزشی تأثیر دارد. در چالش بین سنت و مدرنیته، ماندگاری ارزش‌های دینی بیش از ارزش‌های سنتی خانواده است. با اهمیت‌ترین مؤلفه دینداری است که پس از آن انگیزه موفقیت و سپس خانواده‌گرایی قرار دارند. در مرتبه بعد فرامادی‌گرایی و در مرتبه آخر تساهل جنسی قرار گرفته‌اند. نوسازی در کشورهای اسلامی



نوعی «نوسازی در عصر فرانسوزی» است که در مطالعه آن علاوه بر شرایط بین‌المللی (جهانی شدن و پست مدرنیسم) می‌بایست عامل مهم دیگری به نام «مذهب» را در نظر گرفت (ملکی، ۱۳۸۴).

## ۲-۲- چهار چوب نظری

چهارچوب تئوریک این تحقیق بر مبنای ترکیبی از تئوری تغییر ارزش‌های اینگلهارت و تئوری‌های تاثیر دین داری بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی است. اینگلهارت تغییرات در سطح سیستم را ناشی از توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی نسبت وسیع‌تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ، گسترش ارتباطات جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵-۴). او معتقد است بیشتر تحصیل‌کردگان، زنان، اقشار با درآمد بالاتر و فرامادیون به جهان‌بینی‌های مدرن تمایل دارند و جهان‌بینی‌های سنتی به طور اجتناب‌پذیری در مقابل جهان‌بینی‌های عقلانی تضعیف شده و رو به افول می‌گذارند. در صورت برابری سایر شرایط توسعه اقتصادی موجب متساهل‌تر و معتمدتر شدن افراد گشته و آن‌ها را بر تاکید بر ابراز وجود، مشارکت و تلاش در راستای ارتقا کیفیت زندگی سوق می‌دهد (اینگلهارت، ولزل، ۱۳۸۹: ۳۵).

اینگلهارت می‌نویسد ارزش‌ها و باورهای هر جامعه به احتمال بسیار بازتاب سطح توسعه اقتصادی آن جامعه است. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۲۴) او معتقد است به طور سنتی خانواده واحد اساسی تولیدمثل در هر جامعه بوده، در نتیجه فرهنگ‌های سنتی به محکومیت شدید هر گونه رفتاری مانند همجنس‌گرایی، طلاق و سقط جنین که تولید مثل و تربیت بچه را مورد تهدید قرار دهند، تمایل دارند. اما در جوامع فراصنعتی با وجود نهادهای رفاهی پیشرفته نیاز چندانی به خانواده مستحکم برای بقا وجود ندارد و این هنجارهای سخت جایشان را به ابراز وجود فردی می‌دهند. البته پذیرش طلاق، همجنس‌گرایی و سقط جنین به طور گسترده‌ای در تمامی جوامع ثروتمند فراصنعتی در حال گسترش است اما در جوامع کم درآمد که ناامنی وجودی به طور گسترده‌ای باقی مانده این موضوع هنوز پذیرفته شده نیست (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۰).

اینگلهارت معتقد است دگرگونی فرهنگی تدریجی است و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده، از اینرو ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان

نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند. در حالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ داشته با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر جهان بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است. همچنین او معتقد است میراث فرهنگی تاریخی همچنان بر نوع ارزش‌ها و نحوه رفتار مردم معتقد به آن تاثیر بر جایی می‌گذارد و همگرایی فرهنگی در حال شکل‌گیری نیست. میراث فرهنگی هر جامعه به طور قابل ملاحظه‌ای ماندگار است. بنابراین فرایند تغییر فرهنگی خطی نیست و جهت غالب تغییر در تاریخ بارها دگرگون شده است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹).

اینگلهارت نشان می‌دهد عوامل موثر بر ارزش‌های اجتماعی از الگوی بسیار منسجمی برخوردار بوده و این انسجام بازتابی از توسعه اقتصادی و میراث سنتی و دینی جوامع است و اگرچه توسعه اجتماعی اقتصادی تمایل به ایجاد تغییرات قابل پیش‌بینی در جهان‌بینی‌های مردم دارد سنت‌های فرهنگی مانند بافت دینی جوامع همچنان اثرات پایداری بر جهان بینی مردم بر جای خواهند گذاشت (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۵). او در تحلیل‌های تجربی خود نشان می‌دهد، تفاوت شدید و معناداری در همه ارزش‌های اجتماعی (شامل تایید برابری جنسی، همجنس‌گرایی، سقط جنین و طلاق) در میان مردمی که در جوامع غربی زندگی می‌کنند و آنان که در جوامع اسلامی زندگی می‌کنند، وجود دارد. همه کشورهای غربی به سرکردگی سوئد، آلمان و نروژ به شدت از برابری زنان حمایت می‌کنند و همچنین نسبت به همجنس‌گرایی با تساهل برخورد می‌کنند، بسیاری از کشورها الگوی درهم آمیخته‌ای دارند و در میانه توزیع قرار می‌گیرند و در مقابل فرهنگ‌های اسلامی شامل مصر، بنگلادش، اردن، ایران و آذربایجان همگی سنتی‌ترین نگرش‌های اجتماعی را به نمایش می‌گذارند. تغییرات در نسل‌های جوان به شکل وسیعی در حال گسترش است در حالی که نسل‌های پیشین در مقابل آن مقاومت نشان می‌دهند (اینگلهارت، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

همچنین در رابطه میان دین و ارزش‌های اجتماعی دو رویکرد اساسی به چشم می‌خورد. رویکرد اول نشان می‌دهد تاثیر دین بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی همانند جوامع سنتی بر تمام ابعاد زندگی جاری و برقرار است. در تحقیقات هربرگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) و لنسکی<sup>۲</sup> (۱۹۶۱) که بر ایالات متحده امریکا متمرکز است نشان داده‌شده تاثیر مذهب در حوزه‌های دیگر اجتماعی مانند جوامع سنتی برقرار است و ارزش‌های حوزه‌های مختلف زندگی توسط

<sup>۱</sup> Herberg

<sup>۲</sup> Lenski

ارزش‌های مذهبی هدایت می‌شوند. هربرگ از تحقیقات خود نتیجه گرفته که در شرایط کاملاً واضح سکولار در بسیاری از کشورها، امریکایی‌ها فکر می‌کنند، احساس و عمل می‌کنند که نوع احساس، فکر و عمل ایشان متأثر از ارزش‌های مذهبی است و نشان از احیای گسترده مذهب دارد (هالمن و پیترسون، ۱۹۹۶: ۳۱، به نقل از هربرگ، ۱۹۹۵). لنسکی نیز نشان می‌دهد مذهب در ابعاد مختلف زندگی روزمره زنان و مردان امریکایی نفوذ فراوان دارد و بیش از آن بر سیستم های نهادی جامعه که مشارکت‌های فردی را سبب می‌شود تاثیر دارد (هالمن و پیترسون، ۱۹۹۶ به نقل از لنسکی، ۱۹۶۱). بنابراین نه تنها فعالیت‌ها و درگیری‌های مذهبی در ایالات متحده کاهش نداشته بلکه در طی قرن گذشته افزایش قابل ملاحظه‌ای نیز یافته‌است و حتی این نتیجه را محتمل می‌سازد که کل ایده سکولاریزاسیون افسانه‌ای بیش نیست (هالمن و پیترسون، ۱۹۹۶ به نقل از گریلی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵؛ استارک و ایناکن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲).

رویگرد دوم که بر تئوری تمایز<sup>۳</sup> استوار است معتقد است امروزه دین به عنوان یکی از حوزه‌های نهادی در زندگی با حوزه‌های دیگر اجتماعی رقابت می‌کند و به نظر می‌رسد دین بخش قابل توجهی از جذابیت خود را در تعداد زیادی از مردم جهان غرب از دست داده است. تاثیر مذهب به عنوان یک زیرسیستم در کنار زیرسیستم‌های دیگر کاهش یافته، سیستم‌های اعتقاد به باورهای مذهبی و موعظه‌های کلیسا که قابل پذیرش اکثریت مردم بود توسط نظام های باور فردی و اعتقادات اجتماعی اخلاقی جایگزین شده و دین، آزاد از کارکردهای اجتماعی سابق خود، به یک موضوع خصوصی تبدیل شده‌است. بر این اساس در جامعه معاصر در جهان‌های مختلف معنا، هر اداره توسط مجموعه‌ای از ارزش‌های خود و نه توسط یک مجموعه واحد منسجم ارزش‌ها هدایت می‌شود و ارزش‌های حاکم بر حوزه‌های مختلف زندگی دیگر نه توسط باورهای مذهبی بلکه با عقلانیت خود مختار هدایت می‌شوند (مانچ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰: ۴۴۱؛ اسملسر<sup>۵</sup>، ۱۹۷۳؛ ۱۹۹۰؛ دابلیر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۳؛ هالمن و مور<sup>۷</sup>، ۱۹۹۴؛ هالمن و پیترسون، ۱۹۹۶).

<sup>1</sup> Greely

<sup>2</sup> Stark & Iannaconne

<sup>3</sup> Differentiation theory

<sup>4</sup> Munch

<sup>5</sup> Smelser

<sup>6</sup> Dobbelaere

<sup>7</sup> Halman & Moor

چنانکه دیدیم مطالعات مختلف به ویژه مطالعات داخلی کمتر به بررسی عناصر مختلف ارزش‌های پست‌مدرن در حوزه خانواده و عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند. همچنین مطالعه‌ای که نسل‌های مختلف را در این حوزه مورد مطالعه قرار داده باشد یافت نشد. بنابراین در این مطالعه با رویکردی ترکیبی به بررسی نسلی ارزش‌های خانوادگی پست‌مدرن و عوامل اثرگذار بر این متغیر در هر نسل می‌پردازیم. با توجه به رویکرد نظری و پیشینه تحقیق فرضیه وجود تفاوت‌های نسلی در ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و در بیان عوامل موثر بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی فرضیه‌های تاثیر جنسیت، وضعیت تاهل، تحصیلات، درآمد، احساس امنیت، مصرف رسانه، سنخ ارزشی و دین داری در هر سه نسل مفروض است.

### ۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر پیمایشی با ابزار پرسشنامه در مقیاس لیکرت است. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر تهران می‌باشند که بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۶۴۰۹۶۹۴ نفر<sup>۱</sup> می‌باشد که در ۴۳۳۶ حوزه سکونت دارند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده و از آنجا که در طرح‌های پیچیده‌تر نمونه‌گیری بویژه خوشه‌ای چند مرحله‌ای فرمول‌های واریانس نمونه‌ای عموماً پیچیده‌تر از فرمول‌های نمونه‌گیری تصادفی ساده است، در این صورت این پیچیدگی‌ها را می‌توان از طریق تاثیر طرح دور<sup>۲</sup> زد و حجم لازم نمونه را با استفاده از فرمول‌های ساده تصادفی برآورد کرد (سرایی، ۱۳۸۴: ۱۴۶) بنابراین با در نظر گرفتن اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است با احتساب تاثیر طرح برابر با ۱,۵ (با در نظر گرفتن بودجه، امکانات و زمان) حجم نمونه ۵۷۶ در نظر گرفته شد و با احتساب ریزش احتمالی نمونه به ۶۰۰ نمونه افزایش یافت.

شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای<sup>۳</sup> بوده است. به منظور انتخاب مناطقی از شهر تهران که بتواند معرف خوبی باشد ۱۰۰ حوزه به شکل تصادفی انتخاب کردیم. از تقسیم جمعیت تهران بر این ۱۰۰ حوزه فاصله انتخاب ۷۸۰۳۹ بدست آمد و اولین حوزه به شکل تصادفی انتخاب شد و با اضافه کردن فاصله انتخاب به اولین حوزه، حوزه‌های دیگر بدست آمد. جهت نمونه‌گیری نقشه‌ی حوزه‌های مذکور تهیه شد و پرسشگران با مراجعه به حوزه‌های

<sup>۱</sup> آمار سال ۱۳۸۵

<sup>۲</sup> Design effect

<sup>۳</sup> Probability proportional to size

نمونه‌گیری و دربر منازل افراد، اقدام به جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه نهایی نمودند. از هر خانواده یک فرد واجد شرایط که به پرسشگر پاسخ مثبت داده بود، به مصاحبه دعوت شدند. در اعتبار تحقیق، از اعتبار صوری<sup>۱</sup> و اعتبار سازه<sup>۲</sup> و در پایداری از آلفای کرونباخ استفاده کردیم و بر اساس نسبت سنی وزن‌دهی انجام شد. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق به شرح زیر است:

متغیر وابسته ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی: طبق تعریف اینگلهارت در جوامع فراصنعتی ارزش‌های پست‌مدرن<sup>۱</sup> نیاز چندانی به خانواده نیست، پذیرش همجنس‌گرایی، طلاق، سقط جنین، پذیرش هنجارهای جنسی آزاداندیشانه، خوداظهاری، ابراز وجود فردی، آزادی فردی، خودمختاری، جامعه فرد محور<sup>۲</sup> در حال گسترش است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹). این متغیر با ۹ گویه از نظر من ازدواج باید منسوخ شود، میان راحتی خود و داشتن فرزند راحتی خود را انتخاب می‌کنم، در صورت توافق زن و شوهر سقط جنین باید آزاد باشد، اگر ادامه زندگی برای زن با آسایش و خوشی او منافات داشته باشد می‌تواند طلاق بگیرد، دختر و پسر می‌توانند قبل از ازدواج با هم زیر یک سقف زندگی کنند، زن متأهل نیز می‌تواند رابطه جنسی با فرد دیگری به غیر از همسر خود برقرار کنند، می‌توان رابطه جنسی دختر و پسر قبل از ازدواج را پذیرفت، می‌توان همجنس بازی را پذیرفت، آسایش و لذت فرد از هر چیز دیگر مهم‌تر است، که در تحلیل عامل اکتشافی در یک عامل قرار گرفته‌اند، سنجیده شده است. متغیر در سطح فاصله‌ای بوده، به هر گویه نمره ۰ تا ۴ داده شده و اعداد بزرگتر نشان‌دهنده ارزش‌های پست مدرن خانوادگی بیشتر است. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۷۸۳ بوده است.

متغیر مستقل احساس امنیت: بر اساس تعریف نبوی و همکاران به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع، احساس امنیت گفته می‌شود (میرفردی، احمدی و رفیعی بلداجی، ۱۳۹۰: ۱۵۶) احساس امنیت در انجام فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و دید فرد در مورد میزان احترام گذاشتن به آبرو و حیثیت افراد جامعه است. این متغیر با ۷ گویه تا چه حد احساس می‌کنید وضعیت اقتصادی ممکن است آینده شما را به خطر بیندازد (معکوس گویه)، به طور کلی رضایت از زندگی خود را در چه حد می‌دانید، میزان خوشبختی و خوشحالی خود را تا چه

<sup>1</sup> Face Validity

<sup>2</sup> Costruct Validity

میزان توصیف می‌کنید، میزان اعتماد شما به افراد دیگر تا چه حد است، تا چه حد از انجام فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در جامعه احساس امنیت می‌کنید، تا چه حد احساس می‌کنید حقوق شما در جامعه در معرض تهدید است (معکوس گویه)، به نظر شما میزان احترام گذاشتن به آبرو و حیثیت افراد در جامعه چقدر است، که در تحلیل عامل اکتشافی در یک عامل قرار گرفته‌اند، سنجیده شده است. متغیر در سطح فاصله‌ای بوده، به هر گویه نمره ۰ تا ۴ داده و اعداد بزرگتر نشان دهنده احساس امنیت بیشتر است. آلفای کرونباخ متغیر ۰/۶۹۹ بوده است.

متغیر مستقل مصرف رسانه: جانسون (۱۹۹۹) بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی معتقد است، تغییر ارزشی ممکن است از طریق مشاهده دیگرانی که به عنوان الگوها و گروه‌های مرجع هستند ایجاد شود. بر اساس این نظریه ارزش‌های دیگران مهم با توجه به مطلوبیت به عنوان یک ملاک در نظر گرفته شده و افراد سعی می‌کنند ارزش‌های خود را مطابق با آنها تغییر دهند. هنگامی که اشغال‌کننده یک نقش در معرض شرایط و اطلاعات جدید قرار می‌گیرد و با مردم جدید مراد می‌نماید، ارزش‌های مرتبط با این نقش‌ها نیز تغییر می‌نماید (وئوفی و اکبری، ۱۳۸۹: ۱۰۱). این متغیر در این تحقیق با ۵ گویه تا چه حد از اینترنت استفاده می‌کنید، تا چه حد از ماهواره استفاده می‌کنید، تا چه حد بیننده برنامه‌های ماهواره و تلویزیون خارجی هستید، تا چه حد از مسائل اقتصادی جهان اطلاع دارید، تا چه حد با مشکلات سیاسی منطقه و جهان آشنایی دارید، که در تحلیل عامل اکتشافی در یک عامل قرار گرفته‌اند، سنجیده شده است. متغیر در سطح فاصله‌ای بوده، به هر گویه نمره ۰ تا ۴ داده و اعداد بزرگتر نشان‌دهنده مصرف رسانه بیشتر است. آلفای کرونباخ متغیر ۰/۷۲۳ بوده است.

متغیر مستقل سنخ ارزشی: اولویت‌های ارزشی مادی به معنی اولویت دادن به امنیت جسمی و اقتصادی است. اولویت ارزشی پسمادی به معنای اولویت دادن به لزوم تعلق و دلبستگی به دیگران، حق ابراز نظر و کیفیت زندگی و به طور کلی مسائلی فراتر از مسائل مادی است ( اینگلهارت، ۱۳۷۳). این متغیر در این تحقیق با ۱۲ گویه اولویت دادن به حفظ نظم در کشور، مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها، حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی، اطمینان از این که کشور نیروی دفاعی نیرومندی دارد، حفظ اقتصاد با ثبات، مبارزه با تبه‌کاری، اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت، دفاع از آزادی بیان، اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماع، کوشش در جهت زیباتر سازی شهرها، حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه‌تر و انسانی‌تر، حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش‌های اندیشه در آن بیش از

پول است، سنجیده شده است. متغیر در سطح فاصله‌ای بوده، به هر گویه نمره ۰ یا ۱ داده و اعداد بزرگتر نشان دهنده سنخ ارزشی فرامادی بیشتر است.

متغیر مستقل دین داری: دین داری یا تدین<sup>۱</sup> عبارتست از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او دور می‌زند، سامان می‌یابد (طالبان، ۱۳۸۰: ۱۰). در این پژوهش با تاسی به سنجه گلاک و استارک، دین داری با چهار بعد اعتقادی، عواطف دینی یا تجربی، پیامدی و مناسکی و با ۲۴ گویه عملیاتی شده است. این گویه‌ها عبارتند از: من معتقدم شیطان واقعا وجود دارد، اگر ما امر به معروف و نهی از منکر نکنیم فساد و فحشا همه جا پر می‌شود، در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقا رسیدگی می‌شود، قرآن کلام خداست و هر چه می‌گوید حقیقت است، من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم، مطمئن هستم که واقعا خدا وجود دارد، کسی که به خدا ایمان دارد خیلی از مرگ نمی‌ترسد، گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام، بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است، هر گاه به حرم یکی از امامان و اولیا می‌روم احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد، بعضی وقتها احساس ترس از خدا به من دست می‌دهد، گاهی احساس گناه می‌کنم و از خدا می‌خواهم تا برای جبران گناهانم به من کمک کند، باید در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی خیلی سخت‌گیری کرد، تقلب در پرداخت مالیات کار نادرستی است، رهبران سیاسی باید کاردان باشند و مذهبی بودن یا نبودشان چندان مهم نیست (معکوس)، به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد (معکوس)، باید با قاطعیت با بدحجابی مبارزه کرد، زنان هم باید بتوانند در مسابقات ورزشی مثل فوتبال به عنوان تماشاچی شرکت کنند (معکوس)، در ایام ماه رمضان (اگر مریض یا مسافر نباشید) چگونه روزه می‌گیرید، تا چه حد قرآن می‌خوانید، نمازهای یومیه واجب خود را تا چه حد بجا می‌آورید، به چه میزان در نماز جمعه شرکت می‌کنید، تا چه حد در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها شرکت می‌کنید، هر چند وقت یکبار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید. آلفای کرونباخ متغیر دین داری ۰/۸۹۱ می‌باشد.

---

<sup>1</sup>Religiosity

متغیر مستقل نسل: کارل مانهایم (۱۹۵۲) به عنوان اولین نظریه پرداز مفهوم نسل از برخورد تازه در اثر شکل‌گیری نیروی در گذر زمان یاد می‌کند. او این حرکت‌ها و برخوردها را که به صورت موج نشان داده می‌شود با نسل معین می‌کند ولی افرادی را که در درون نسل‌ها موجودند و دارای دیدگاه مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند از افرادی که این وضعیت را ندارند متمایز کرده و از آنها به عنوان واحدهای نسلی یاد می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۱). در این تحقیق بنا بر تعریف مانهایم افراد به سه نسل ۱۸ تا ۳۴ سال، ۳۵ تا ۶۴ سال و ۶۵ سال و بالاتر تقسیم شده‌اند. نسل اول، نسل قبل از انقلاب کسانی هستند که دوران پهلوی و انقلاب را تجربه کرده‌اند. نسل دوم، نسل انقلاب کسانی هستند که تجربه دقیقی از دوران پهلوی ندارند، جنگ را تجربه کرده و حتی به عنوان نیروی فعال در جنگ شرکت داشته‌اند و تفاوت آنها با نسل اول نداشتن تجربه دوران پهلوی است. نسل سوم، نسل بعد از انقلاب کسانی هستند که بعد از جنگ متولد شده‌اند یا دوران جامعه‌پذیری خود را بعد از جنگ طی کرده‌اند (برگرفته از آزاد، ۱۳۸۶؛ فاضلی و کلانتری، ۱۳۹۱).

#### ۴- یافته‌های پژوهش

نمونه تحقیق شامل ۴۹ درصد مرد و ۵۱ درصد زن؛ ۳۴/۵ درصد مجرد و ۶۴/۷ درصد متاهل است. ۹ درصد از پاسخگویان از نسل اول، ۴۶/۵ درصد از نسل دوم، ۴۴/۵ درصد از نسل سوم بودند. شاخص‌های متغیرهای پژوهش در سه نسل در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: شاخص‌های متغیرهای پژوهش در سه نسل

متغیر	نسل	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	ماکزیمم - مینیمم
ارزش‌های پست مدرن خانوادگی	اول	۷/۰۲	۴/۳۱	۱۸/۶۱	۰ - ۱۷
	دوم	۸/۸۱	۵/۳۹	۲۹/۰۳	۰ - ۲۹
	سوم	۱۱/۵۶	۶/۳۶	۴۰/۵۰	۰ - ۲۷
احساس امنیت	اول	۱۱/۹۴	۳/۴۷	۱۲/۰۲	۵ - ۲۰
	دوم	۱۲/۲۱	۴/۳۸	۱۹/۲۱	۰ - ۲۵



۰ - ۲۴	۱۷/۳۳	۴/۱۶	۱۲/۴۱	سوم	مصرف رسانه
۰ - ۱۷	۱۸/۷۴	۴/۲۳	۵/۴۵	اول	
۰ - ۲۰	۲۱/۹۹	۴/۶۹	۸/۵۸	دوم	
۱ - ۲۰	۲۳/۲۵	۴/۸۲	۱۰/۵۵	سوم	
۰ - ۱۰	۶/۳۷	۲/۵۲	۴/۴۸	اول	سنخ ارزشی
۰ - ۱۲	۵/۳۷	۲/۳۲	۴/۴۷	دوم	
۰ - ۱۲	۵/۸۵	۲/۴۲	۴/۲۵	سوم	
۱۶ - ۸۹	۲۵۲/۷۳	۱۵/۸۹	۶۸/۱۴	اول	دین داری
۸ - ۹۱	۲۷۵/۲۲	۱۶/۵۹	۶۴/۱۱	دوم	
۱۳ - ۹۱	۳۰۷/۳۸	۱۷/۵۳	۵۸/۰۰	سوم	

همانطور که در جدول فوق می‌بینیم ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و مصرف رسانه به لحاظ نسلی روند افزایشی و دین داری روند کاهشی داشته، در حالی که احساس امنیت و سنخ ارزشی در سه نسل تفاوت محسوسی را نشان نمی‌دهد. همچنین اگرچه ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در هر سه نسل پایین‌تر از حد متوسط بوده اما از نسل اول به سوم روند افزایشی را نشان می‌دهد. بنابراین اگرچه جامعه ما در حال گذار از سنتی به مدرن است اما عناصری از ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در آن مشاهده می‌شود که در حال افزایش هست. جدول ۲ توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی را در نسل اول نشان می‌دهد.

جدول ۲: توصیف ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل اول

جمع فراوانی	درصد	کاملاً مخالف	مخالف	متوسط	موافق	کاملاً موافق	گویه‌ها
۵۲	۱۰۰	۲۶/۸	۲۹/۳	۲۶/۸	۱۷/۱	۰	میان راحتی خود و داشتن فرزند راحتی خود را انتخاب می‌کنم

بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و عوامل اثرگذار بر آن ..... ۱۷۲

۵۲	۱۰۰	۳۶/۶	۲۶/۸	۹/۸	۱۴/۶	۱۲/۲	در صورت توافق زن و شوهر باید سقط جنین آزاد باشد
۵۲	۱۰۰	۲۲	۱۹/۵	۲۶/۸	۱۴/۶	۱۷/۱	اگر زندگی با آسایش فرد منافات داشته باشد باید براحته طلاق بگیرد
۵۲	۱۰۰	۶۸/۳	۲۲	۹/۷	۰	۰	دختر و پسر قبل از ازدواج می‌توانند با هم زیر یک سقف زندگی کنند
۵۲	۱۰۰	۸۵/۴	۱۴/۶	۰	۰	۰	زن متاهل می‌تواند رابطه جنسی با فرد دیگری به غیر از همسر داشته باشد
۵۴	۱۰۰	۷۳/۸	۲۳/۸	۲/۵	۰	۰	می‌توان رابطه جنسی دختر و پسر قبل از ازدواج را پذیرفت
۵۲	۱۰۰	۸۰/۵	۱۹/۵	۰	۰	۰	می‌توان همجنس‌بازی را پذیرفت
۵۴	۱۰۰	۳۵/۷	۲۳/۸	۳۳/۴	۷/۱	۰	آسایش و لذت فرد از هر چیز دیگر مهمتر است
۵۲	۱۰۰	۷۸/۴۳	۱۲/۳۸	۹/۱۹			ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل اول

چنانکه در جدول فوق مشاهده می‌شود در حدود ۹ درصد افراد در نسل اول ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی دیده می‌شود اما باید متذکر شد که این نگرش‌ها محدود به آزاداندیشی در سقط جنین و طلاق است و هیچ موردی را نمی‌توان یافت که تساهل و تسامح در رابطه جنسی را گزارش کرده باشد و یا موافق با منسوخ شدن ازدواج باشد. جدول ۳ توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی را در نسل دوم نشان می‌دهد.

جدول ۳: توصیف ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل دوم

گویه‌ها	کاملاً موافق	متوسط موافق	مخالف	کاملاً مخالف	جمع	
					درصد	فراوانی
از نظر من ازدواج باید منسوخ شود	۲/۴	۲/۵	۴	۳۴/۳	۵۶/۸	۲۷۰
میان راحتی خود و داشتن فرزند راحتی خود را انتخاب می‌کنم	۳/۴	۸/۸	۱۹/۹	۴۵/۹	۲۲	۲۷۳
در صورت توافق زن و شوهر باید سقط	۱۳/۹	۳۲/۷	۱۳/۹	۲۲/۳	۲۷/۲	۲۷۱

جنین آزاد باشد							
۲۷۰	۱۰۰	۱۴/۲	۲۵/۹	۲۰/۸	۲۳/۵	۱۵/۶	اگر زندگی با آسایش فرد منافات داشته باشد باید براحتی طلاق بگیرد
۲۷۰	۱۰۰	۵۳	۳۰/۲	۹/۲	۴/۴	۳/۲	دختر و پسر قبل از ازدواج می‌توانند با هم زیر یک سقف زندگی کنند
۲۷۶	۱۰۰	۸۳	۱۳/۵	۱/۴	۱/۳	۰/۸	زن متاهل می‌تواند رابطه جنسی با فرد دیگری به غیر از همسر داشته باشد
۲۷۷	۱۰۰	۶۴	۲۱/۹	۷/۶	۴	۲/۵	می‌توان رابطه جنسی دختر و پسر قبل از ازدواج را پذیرفت
۲۷۸	۱۰۰	۸۰/۵	۱۳	۳/۴	۱/۶	۱/۵	می‌توان همجنس بازی را پذیرفت
۲۷۹	۱۰۰	۲۶/۶	۳۶/۵	۱۸/۶	۱۴/۱	۴/۲	آسایش و لذت فرد از هر چیز دیگر مهم‌تر است
۲۷۴	۱۰۰	۷۴/۵۳		۱۰/۹۸	۱۴/۴۹		ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل دوم

چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در حدود ۱۵ درصد افراد نسل دوم دیده می‌شود. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد علاوه بر تساهل و تسامح در طلاق و سقط جنین مقداری آزاداندیشی در روابط جنسی نیز ایجاد شده است. جدول ۴ توزیع درصدی گویه‌های ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی را در نسل سوم نشان می‌دهد.

جدول ۴: توصیف ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل سوم

گویه‌ها	کاملاً موافق	متوسط	مخالف	جمع	
				کاملاً مخالف	درصد فراوانی
از نظر من ازدواج باید منسوخ شود	۵/۱	۶/۵	۹/۱	۲۶/۴	۵۲/۹
میان راحتی خود و داشتن فرزند راحتی خود را انتخاب می‌کنم	۷/۵	۱۰/۴	۲۱/۷	۴۲/۸	۱۷/۶
در صورت توافق زن و شوهر باید سقط	۱۵/۷	۲۶/۷	۱۴/۴	۱۹	۲۴/۲

بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و عوامل اثرگذار بر آن ..... ۱۷۴

جنین آزاد باشد							
۲۶۰	۱۰۰	۱۵/۳	۲۱/۹	۲۷/۳	۲۱/۹	۱۳/۶	اگر زندگی با آسایش فرد منافات داشته باشد باید براحتهای طلاق بگردد
۲۶۲	۱۰۰	۳۶/۷	۲۵/۳	۱۲/۹	۱۶/۸	۸/۳	دختر و پسر قبل از ازدواج می‌توانند با هم زیر یک سقف زندگی کنند
۲۶۳	۱۰۰	۷۹/۹	۱۳/۸	۳/۵	۱/۵	۱/۳	زن متاهل می‌تواند رابطه جنسی با فرد دیگری به غیر از همسر داشته باشد
۲۶۶	۱۰۰	۴۴/۴	۲۰/۳	۱۴/۴	۱۲/۳	۸/۶	می‌توان رابطه جنسی دختر و پسر قبل از ازدواج را پذیرفت
۲۶۷	۱۰۰	۶۹/۵	۱۵/۴	۹/۲	۳/۱	۲/۸	می‌توان همجنس‌بازی را پذیرفت
۲۶۷	۱۰۰	۱۱/۱	۲۳/۷	۳۱/۹	۲۱/۳	۱۲	آسایش و لذت فرد از هر چیز دیگر مهم‌تر است
۲۶۳	۱۰۰	۶۲/۲۵	۱۶/۰۴		۲۱/۷۱		ارزشهای پست‌مدرن خانوادگی در نسل سوم

چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در حدود ۲۲ درصد افراد نسل سوم دیده می‌شود. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد علاوه بر تساهل و تسامح در طلاق و سقط جنین مقدار بیشتری آزاداندیشی در روابط جنسی و نگرش‌های فردگرایانه ایجاد شده است. جدول ۵ تحلیل واریانس و تفاوت نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تحلیل واریانس ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و نسل

مقدار P	F	میانگین			تعداد	نسل	
		گروه سوم	گروه دوم	گروه اول			
۰/۰۰۰	۲۲/۷۶۹			۷/۰۲۰۰	۵۳	اول	ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی
			۸/۸۰۶۹		۲۷۸	دوم	
		۱۱/۵۶۰۳			۲۶۷	سوم	

جدول فوق نشان می‌دهد تفاوت نسلی در ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی وجود دارد و می‌توان گفت عنصر نسل تمایز دهنده ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی می‌باشد. آزمون تعقیبی توکی نشان می‌دهد ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل سوم در سطح معنادار قابل قبول بیش از نسل اول و دوم و ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل دوم در سطح معنادار قابل قبول بیش از نسل اول و کمتر از نسل سوم است. حال سؤال اینجاست که رابطه میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی در هر نسل چگونه است؟ جدول ۶، تحلیل دومتغیره ارزش‌های خانوادگی با جنسیت و وضعیت تاهل را نشان می‌دهد.

جدول ۶: آزمون اختلاف میانگین ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی بر حسب جنسیت و

وضعیت تاهل به تفکیک نسل

مقدار p	درجه آزادی	F	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	نسل	جنسیت	وضعیت تاهل	ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی					
۰/۰۳۸	۵۲	۰/۰۷۳	۳/۵۶۳۶۶	۸/۷۳۹۲	۱۸	مرد	اول	جنسیت	ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی					
			۴/۴۴۲۸۰	۶/۱۶۰۴	۳۶	زن								
۰/۱۴۱	۵۴/۸۳۰	۵/۲۲۰	۴/۷۶۶۳۴	۸/۳۴۴۹	۱۴۵	مرد	دوم	جنسیت		ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی				
			۵/۹۶۴۷۳	۹/۳۰۴۵	۱۳۴	زن								
۰/۳۶۱	۲۶۵	۰/۴۰۴	۶/۰۷۰۳۹	۱۱/۱۹۸۳	۱۳۱	مرد	سوم	جنسیت			ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی			
			۶/۶۳۹۰۴	۱۱/۹۱۰۰	۱۳۶	زن								
۰/۳۲۸	۵۰	۰/۱۲۰	۴/۴۴۰۲۳	۶/۴۸۴۲	۲۴	مجرد	اول	وضعیت تاهل				ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی		
			۴/۲۱۶۴۳	۷/۶۶۵۴	۲۸	متاهل								
۰/۵۹۳	۲۷۴	۰/۹۹۸	۶/۰۸۶۲۸	۹/۲۲۴۳	۴۰	مجرد	دوم	وضعیت تاهل					ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی	
			۵/۲۸۰۵۷	۸/۷۲۸۰	۲۳۶	متاهل								
۰/۰۰۰	۲۶۵	۰/۰۰۵	۵/۹۹۹۱۵	۱۳/۳۵۰۳	۱۴۲	مجرد	سوم	وضعیت تاهل						ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی
			۶/۱۶۵۵۵	۴/۹۴۹ ۹	۱۲۴	متاهل								

چنانکه در جدول فوق می‌بینیم ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل اول در زنان کمتر از مردان مشاهده می‌شود. اما این رابطه در نسل دوم و سوم برقرار نیست. به عبارت دیگر زنان و مردان نسل اول متفاوت فکر می‌کنند و احتمالاً رفتار می‌کنند اما در نسل دوم و سوم تفاوت

بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و عوامل اثرگذار بر آن ..... ۱۷۶

جنسیتی وجود نداشته و مشابه یگدیگر تفکر و احتمالاً رفتار می‌کنند. بنابراین فرضیه تاثیر جنسیت بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل اول پذیرفته می‌شود. همچنین این جدول نشان می‌دهد وضعیت تاهل در نسل اول و دوم تاثیر معناداری بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی ندارد اما در نسل سوم در افراد مجرد نگرش‌های پست‌مدرنیستی در حوزه خانواده به طور معناداری بیش از افراد متاهل است. بنابراین فرضیه تاثیر وضعیت تاهل بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل سوم پذیرفته می‌شود. جدول ۷، تحلیل واریانس ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و تحصیلات را نشان می‌دهد.

جدول ۷: تحلیل واریانس ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و تحصیلات به تفکیک نسل

مقدار p	F	میانگین	تعداد	تحصیلات	نسل	
		گروه اول				
۰/۶۷۹	۰/۳۹۰			پایین	اول	ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی
				متوسط		
				بالا		
۰/۰۷۹	۲/۵۶۴	۷/۵۴۲۷	۴۶	پایین	دوم	
		۸/۸۵۹۵	۱۹۶	متوسط		
		۱۰/۳۶۱۸	۳۰	بالا		
۰/۰۸۴	۲/۵۰۲	۱۵/۵۴۶۶	۹	پایین	سوم	
		۱۱/۱۷۰۴	۲۲۰	متوسط		
		۱۲/۲۱۵۴	۳۲	بالا		

چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد رابطه معناداری میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با تحصیلات در هر سه نسل مشاهده نمی‌شود. بنابراین فرضیه تاثیر تحصیلات بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در هر سه نسل پذیرفته نمی‌شود. جدول ۸ آزمون همبستگی میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با درآمد در هر سه نسل را نشان می‌دهد.

جدول ۸: آزمون همبستگی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با درآمد به تفکیک نسل

مقدار p	همبستگی پیرسون	نسل	درآمد	ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی
۰/۰۰۵	۰/۳۸۹	اول	درآمد	ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی

۰/۹۰۸	-۰/۰۰۷	دوم		
۰/۰۰۰	۰/۲۸۸	سوم		

چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد همبستگی مستقیم مثبت معنادار میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با درآمد در نسل اول و سوم وجود دارد. بنابراین فرضیه تاثیر درآمد بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل اول و سوم پذیرفته می‌شود. جدول ۹، آزمون همبستگی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با مصرف رسانه، احساس امنیت، سنخ ارزشی و دین داری به تفکیک نسل را نشان می‌دهد.

جدول ۹: آزمون همبستگی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با مصرف رسانه، احساس امنیت، سنخ ارزشی و دین داری به تفکیک نسل

مقدار P	همبستگی پیرسون	نسل		ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی
۰/۸۰۵	-۰/۰۳۴	اول	مصرف رسانه	
۰/۰۰۰	۰/۳۳۷	دوم		
۰/۰۰۰	۰/۴۶۶	سوم		
۰/۳۳۳	-۰/۱۳۶	اول	احساس امنیت	
۰/۰۰۰	-۰/۳۸۱	دوم		
۰/۰۰۲	-۰/۱۹۰	سوم		
۰/۳۸۱	-۰/۱۲۲	اول	سنخ ارزشی	
۰/۳۶۳	۰/۰۶۱	دوم		
۰/۰۰۰	۰/۲۸۳	سوم		
۰/۰۰۵	-۰/۳۷۷	اول	دین داری	
۰/۰۰۰	-۰/۵۷۹	دوم		
۰/۰۰۰	-۰/۶۰۴	سوم		

چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد همبستگی مستقیم مثبت معنادار میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با مصرف رسانه در نسل دوم و سوم وجود دارد. بنابراین فرضیه تاثیر مصرف رسانه بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل دوم و سوم پذیرفته می‌شود. همبستگی مستقیم مثبت معنادار میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با سنخ ارزشی در نسل

سوم وجود دارد. بنابراین فرضیه تاثیر سنخ ارزشی بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل سوم پذیرفته می‌شود. همبستگی معکوس معنادار میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با دین داری در هر سه نسل وجود دارد. بنابراین فرضیه تاثیر دین داری بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در هر سه نسل پذیرفته می‌شود. همبستگی معکوس معنادار میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با احساس امنیت در نسل دوم و سوم وجود دارد. بنابراین فرضیه تاثیر احساس امنیت بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل دوم و سوم پذیرفته می‌شود. جدول ۱۰ آزمون رگرسیون چند گانه عوامل موثر بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در سه نسل را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: رگرسیون چند گانه عوامل موثر بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در سه نسل

عوامل موثر	نسل اول		نسل دوم		نسل سوم	
	Beta	مقدار p	Beta	مقدار p	Beta	مقدار p
جنسیت	-۰/۴۳۷	۰/۰۰۵	۰/۱۱۷	۰/۰۶۸	۰/۰۲۲	۰/۷۱۶
وضعیت تاهل	۰/۱۷۱	۰/۳۴۶	۰/۰۷۱	۰/۳۶۴	-۰/۰۹۹	۰/۱۰۸
درآمد	۰/۳۰۰	۰/۱۲۲	-۰/۲۲۰	۰/۰۰۱	۰/۱۶۱	۰/۰۱۳
احساس امنیت	-۰/۱۷۰	۰/۱۸۵	-۰/۰۳۳	۰/۶۱۸	-۰/۰۵۲	۰/۴۰۳
مصرف رسانه	-۰/۲۵۴	۰/۰۸۸	۰/۰۲۲	۰/۷۴۸	-۰/۱۴۹	۰/۰۴۷
سنخ ارزشی	۰/۰۲۶	۰/۸۳۹	-۰/۰۰۸	۰/۸۹۱	۰/۰۵۵	۰/۳۸۷
تحصیلات	-۰/۳۵۱	۰/۰۲۷	۰/۱۶۲	۰/۰۱۹	-۰/۱۸۴	۰/۰۰۳
دین داری	-۰/۶۲۶	۰/۰۰۰	-۰/۵۷۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۵۹	۰/۰۰۰
F	۶/۱۷۵		۱۴/۵۹۵		۱۶/۸۴۵	
Sig	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	
R	۰/۷۵۰		۰/۶۲۰		۰/۶۸۳	
RSquar	۰/۵۶۳		۰/۳۸۵		۰/۴۶۷	
Adjusted R Square	۰/۴۷۲		۰/۳۵۸		۰/۴۳۹	

چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد در نسل اول ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با جنسیت، تحصیلات و دین داری رابطه معنادار دارد. به طوری که این ارزش‌ها در زنان، افراد با تحصیلات پایین‌تر و افراد با دین داری پایین‌تر بیشتر است. در نسل دوم ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با درآمد، تحصیلات و دین داری رابطه معنادار دارد. به طوری که این ارزش‌ها در افراد با درآمد پایین‌تر، تحصیلات بالاتر و دین داری پایین‌تر بیشتر است. در نسل سوم ارزش‌های پست‌مدرن



خانوادگی با درآمد، تحصیلات و دین داری و مصرف رسانه رابطه معنادار دارد. به طوری که این ارزش‌ها در افراد با درآمد بالاتر، تحصیلات پایین‌تر، دین داری پایین‌تر و مصرف رسانه بالاتر، بیشتر است. چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد در هر سه نسل دین داری عامل تعیین کننده اصلی است و حضور این متغیر موجب شده برخی متغیرها که در تحلیل دو متغیره معنادار بودند، تاثیر معنادار خود را از دست بدهند. از طرف دیگر تاثیر دین داری از نسل اول به سوم کاهش یافته است.

#### ۵- بحث و نتیجه گیری

ملازم با انقلاب اساسی در چند دهه آخر قرن بیستم ساختارهای جوامع پیشرفته هم دچار تحول اساسی شد. ساختار اقتصادی این جوامع (شامل کشورهای اروپایی غربی و شمالی) از ساختاری مبتنی بر صنعت به ساختاری مبتنی بر خدمات (به خصوص در حوزه‌های ارتباطات و اطلاعات) متحول گردید. به موازات این تغییر نظام هنجاری جامعه هم دچار تغییر شد. هنجارهای اجتماعی که نشان دهنده انتظارات استاندارد جامعه از اعضایش است رو به سستی گرایید، در نتیجه حضور جامعه در زندگی افراد محدود و نظارت جامعه بر رفتارهای اعضایش تضعیف گردید. نفوذ نهادهای سنتی (کلیسا، دولت و حزب در اروپای غربی و شرقی) در افراد به تدریج کاهش یافت. پیوند فرد و جامعه در این جوامع سست شد و این تحولات باعث گسترش استقلال فردی، افزایش تسامح و تساهل، انعطاف پذیری در مسیر زندگی و به هم خوردن تقسیم کار جنسیتی گردید. با محدودیت حضور جامعه در زندگی فردی و گسترش بی‌سابقه فردیت و اختیارات فردی، نظام ارزشی جامعه هم متحول گردید. ارزش‌های جامعه محور معطوف به نیازهای اولیه به سرعت جای خود را به ارزش‌های فردمحور معطوف به نیازهای ثانویه دادند (سرای، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

به دنبال این تغییرات خانواده ایرانی نیز از واحدی تولیدی به امری اجتماعی مبدل شده و ضمن تغییر از ساختار سنتی خود کماکان مهمترین نهاد اجتماعی از دید افراد ایرانی است (آزادارمکی، مدیری و وکیلی، ۱۳۸۹: ۷۸). اما در عین حال تحقیقات اخیر حاکی از آن است که خانواده ایرانی در تطابق خود با دگرگونی‌های اجتماعی اقتصادی با تناقضاتی مواجه شده است. این تحقیقات نشان از تغییر ارزش‌های خانوادگی به سمت ظهور و افزایش ارزش‌های

پست‌مدرن دارد و بر این اساس در این تحقیق به بررسی نسلی ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و عوامل موثر بر آن پرداختیم.

در این تحقیق دیدیم ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و مصرف رسانه به لحاظ نسلی روند افزایشی و دین داری روند کاهشی داشته، در حالی که احساس امنیت و سنخ ارزشی در سه نسل تفاوت محسوسی را نشان نمی‌دهد. به تعبیر دیگر در شهر تهران به لحاظ نسلی احساس امنیت روند افزایشی نداشته و روند نسلی سنخ ارزشی نیز این یافته را تایید می‌کند. غلبه سنخ ارزشی مادی و عدم تفاوت نسلی در آن را در تحقیقات میرفردی، احمدی و رفیعی بلداجی (۱۳۹۰)، خالقی فر (۱۳۸۱)، گودرزی (۱۳۸۸)، آزادارمکی، مدیری و وکیلی (۱۳۸۹) نیز مشاهده کردیم و این تحقیقات حاکی از آن است که ایرانیان اگرچه در مسیر توسعه اقتصادی قرار دارند اما به دلیل برآورده نشدن نیازهای اولیه افراد در همه گروه‌ها بنابر فرضیه کمیایی درگیر نیازهای اولیه بوده و مسیر تغییر سنخ ارزشی مادی به پسامادی را طی نمی‌کنند. در حالی که جامعه ما آهنگ توسعه اقتصادی را نشان می‌دهد اما این روند به گونه‌ای نیست که احساس امنیت بیشتر را به دنبال داشته باشد. بنابر تئوری اینگلهارت در جوامعی که روند نسلی افزایش امنیت را نشان ندهد تغییر نسلی ارزشی نباید وجود داشته باشد و این در حالی است که یافته این پژوهش وجود تفاوت نسلی در ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی را تایید می‌کند. این یافته حاکی از عدم هماهنگی و اعوجاج در ارکان مختلف نظام اجتماعی است.

اگرچه ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در هر سه نسل پایین‌تر از حد متوسط بوده اما از نسل اول به سوم روند افزایشی را نشان می‌دهد. بنابراین اگرچه جامعه ما در حال گذار از سنتی به مدرن است اما عناصری از ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در آن مشاهده می‌شود که در حال افزایش هست. بر اساس تئوری اینگلهارت شاید بتوان این تفاوت را به تجربه‌های مختلف نسل‌ها و بحران ناشی از انقلاب و جنگ و تجارب متفاوت نسل‌ها در این بحران‌ها و اقتصاد ناموفق نسبت داد. دیدیم ۹/۱۹ درصد افراد در نسل اول گرایش‌های پست مدرن را نشان می‌دهند که محدود به لذت فردی و پذیرش سقط جنین است و این میزان به ۱۴/۴۹ در نسل دوم و به ۲۱/۷۱ در نسل سوم افزایش یافته است. در نسل‌های دوم و سوم آزاداندیشی و تساهل و تسامح به آزاداندیشی در روابط جنسی، طلاق و منسوخ دانستن ازدواج نیز تسری یافته است. چنانکه دیدیم نتایج مشابهی در مطالعات آماتو (۲۰۰۴)، چرلین (۲۰۰۴)، آکسین و تورنتن (۱۹۹۳)، بامپس (۱۹۹۸)، منینگ، لانگ مور و جوردانو (۲۰۰۷) گزارش شده بود. مشابه این

نتایج در مطالعات چودوری و تراواتو<sup>۲</sup>(۱۹۹۴)، گوتیرز دومنه<sup>۳</sup>(۲۰۰۸)، مالهوترا و تسیو<sup>۴</sup>(۱۹۹۶)، ویلیامز<sup>۵</sup>(۲۰۰۷)، چو و شین<sup>۶</sup>(۱۹۹۶)، شاکلا و کاپادیا<sup>۷</sup>(۲۰۰۷)، ونگ<sup>۸</sup>(۱۹۹۴)، یو (۱۹۹۴)، اسمیت و باس<sup>۹</sup>(۲۰۰۱)، باس (۱۹۸۹)، باس و دیگران (۲۰۰۱)، مورن و اسپرچر<sup>۱۰</sup>(۲۰۰۳)، شاکلفورد<sup>۱۱</sup>، اسمیت و باس (۲۰۰۵)، اریکسن<sup>۱۲</sup>(۱۹۶۸)، لویسنسن، دارو، کلاین، لویسنسن و مک‌کی<sup>۱۳</sup>(۱۹۷۸)، وایلنت<sup>۱۴</sup>(۱۹۷۷) نیز گزارش شده است (دلخמוש، ۱۳۸۸: ۲۰۹ - ۲۰۸).

دیدیم تفاوت نسلی در ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی وجود دارد و بنابراین می‌توان گفت عنصر نسل تمایزدهنده ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی می‌باشد. آزمون تعقیبی توکی نیز نشان داد، ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در نسل سوم در سطح معنادار بیش از نسل اول و دوم و در نسل دوم بیش از نسل اول است. گفتیم اینگلههارت معتقد است دگرگونی فرهنگی تدریجی است و آن بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده، از این‌رو ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند. در حالیکه گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ داشته با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگتر جهان بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است. همچنین در نسل‌های دوم و سوم آزاداندیشی و تساهل و تسامح به آزاداندیشی در روابط جنسی، طلاق و منسوخ شدن ازدواج نیز تسری یافته است.

این تحقیق نشان داد اگرچه اکثریت قریب به اتفاق افراد در شهر تهران به ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی گرایشی ندارند اما این ارزش‌ها هر چند اندک اما در خانواده ایرانی رو به

<sup>2</sup> Chowdhury , Trovato

<sup>3</sup> Gutierrez , Domenech

<sup>4</sup> Malhotra & Tsui

<sup>5</sup> Williams

<sup>6</sup> Choe & Shin

<sup>7</sup> Shukla & Kapadia

<sup>8</sup> Wang

<sup>9</sup> Schmitt & Buss

<sup>10</sup> Toro , Morn & Sprecher

<sup>11</sup> Shackelford

<sup>12</sup> Erikson

<sup>13</sup> Levinson , Darrow , Klein , Levinson , Mckee

<sup>14</sup> Vaillant

افزایش نهاده و این موضوع اهمیت توجه به خانواده و عوامل موثر بر ارزش‌های خانوادگی را دوچندان می‌کند. اگر به عوامل موثر توجه نشود ممکن است در آینده‌ای نه چندان نزدیک شاهد شیوع بیشتر ارزش‌های پست‌مدرن که به نوعی تجزیه و انشقاق خانواده را به همراه دارد، باشیم. همان‌گونه که مشکلات خانواده به صورت سیستمی پدید آمده، راه‌حل نیز باید سیستمی ارائه شود. تعادل نهادی اقتضا می‌کند خانواده حداقلی باشد تا بتواند حداقل وظایف خانواده که تولید مثل و تربیت فرزندان و جامعه‌پذیری و بازتولید ارزش‌های خانوادگی است را انجام دهد اما در حال حاضر به نظر می‌رسد دغدغه‌های اقتصادی خانواده را از تربیت ایرانی اسلامی دور می‌کند و مداخله‌های انجام شده در احیای خانواده سنتی، تشویق به ازدواج‌های ساده و کمک‌های اندک به جوانان، تشویق به فرزندآوری، ترویج روابط صمیمی در خانواده راه به جایی نبرده است. دولت در این فضا باید نقش هدایت‌گر، سیاست‌گذار و عدم مداخله‌گر را ایفا کند و اگر توانمندسازی خانواده در حل مشکلات خود، به منزله یک اصل بپذیریم، باید ظرفیت‌ها و فرصت‌های لازم برای چنین منظوری فراهم شود.

تحلیل دومتغیره نشان داد همبستگی معکوس معنادار میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی با احساس امنیت در نسل دوم و سوم وجود دارد. به عبارت دیگر در افراد با احساس امنیت پایین‌تر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی بیشتر مشاهده می‌شود و این مغایر با وضعیتی است که در جوامع فراصنعتی دیده می‌شود. این یافته نیز بخشی از تئوری اینگلههارت را تأیید می‌کند که معتقد است تفاوت نسلی در جوامعی که امنیت فزاینده نیست، دیده نمی‌شود و وجود تفاوت نسلی در چنین جوامعی به علت رکود اقتصادی و اقتصادهای ناموفق است. شاید بتوان گفت در جامعه خانواده‌مدار ما ظهور ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی ناشی از عدم احساس امنیت کافی و واکنشی نسبت به آن است. نتایج مشابه را در تحقیقات آکسین و تورنتن (۱۹۹۳)؛ بامپس (۱۹۹۸)؛ منینگ، لانگ‌مور و جوردانو (۲۰۰۷) مشاهده کردیم که نشان دادند آرایش‌های غیرسنتی، زندگی مشترک غیررسمی و همچنین پذیرش رابطه جنسی پیش از ازدواج در نزد جوانان و نوجوانان مقبولیت یافته و بیش از پیش مجاز شمرده شده و رشد این انتخاب‌ها در طیفی از نااطمینانی نسبت به روابط پایدار در زندگی زناشویی است (دلخوش، ۱۳۸۸: ۲۳۰-۲۰۸). توجه به تاثیر احساس امنیت که نقش موثر دولت و سیاست‌گذاری‌های او را در خود نهفته دارند ضروری می‌باشد. عدم احساس امنیت در در ابعاد مختلف راه را بر گسترش ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی هموار می‌کند. بنابراین دولت با

سیاست‌گذاری مناسب اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در راستای احساس امنیت بالاتر در اقصای مختلف جامعه کمک‌کننده باشد.

درآمد در نسل اول و سوم با ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی رابطه دارد. طبق تئوری اینگلههارت این ارزش‌ها افرادی را متوجه خود کرده که درآمد بالاتری دارند. طبق تئوری سوم میان مجرد و ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی رابطه برقرار است. رابطه سنخ ارزشی با ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی نیز در نسل سوم مشاهده شد.

در نسل دوم و سوم رسانه‌ها با ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی رابطه معنادار دارند. بنابراین می‌توان گفت، رسانه‌ها نقش موثری در اشاعه فرهنگ جوامع فراصنعتی در نسل دوم و نسل سوم دارند. بنابراین از طرفی ما با گسترش رسانه‌ها طی نسل‌ها مواجهیم و از طرف دیگر با افزایش توان تبیین رسانه‌ها در ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و تئوری جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن تایید می‌شود. مشابه این یافته را در تحقیق سعید گودرزی دیدیم که نشان داد تغییر ارزش‌ها با وضعیت تأهل و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی رابطه معنادار دارد (گودرزی، ۱۳۸۸). با توجه به تحقیق حاضر که تاثیر مصرف رسانه را در ارزش‌های خانوادگی به خصوص در نسل سوم نشان داد می‌توان از رسانه‌ها در این باب استفاده بهینه کرد. در رسانه‌ها باید الگوی خانواده موفق، خانواده و تنوع‌های فرهنگی، چالش‌های خانواده، آسیب‌های خانواده، اصول و سیاست‌های خانوادگی حاکم بر رسانه، ارزش‌های خانه‌مدارانه تهیه و ارائه شود. پرمخاطب بودن رسانه ملی می‌تواند آن را به ابزاری مناسب برای تقویت ارزش‌های خانوادگی مبدل سازد و می‌بایست در این مسیر تعارض پیام‌های مستقیم و غیر مستقیم حذف شود. همچنین تأکید بر قالب‌های غیرسیاسی و زبان غیرمستقیم در انتقال ارزش‌های خانواده پیشنهاد می‌شود.

از طرف دیگر این تحقیق توان بالای دین داری در تبیین ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی را در هر سه نسل نشان داد. این یافته منطبق با تئوری‌های تداوم و پایداری نقش دین بر حوزه خانواده و مطالعات هربرگ (۱۹۹۵)، لنسکی (۱۹۶۱)، الیسون و شرکت (۱۹۹۳)، ملکی (۱۳۸۴)، آزاد ارمکی و مدیری (۱۳۹۰)، زین آبادی (۱۳۸۵)، ربانی و صفایی نژاد (۱۳۸۴) است. در عین حال دیدیم که توان تبیین دین داری از نسل اول به سوم کاهش داشت. تاثیر دین داری بر ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در روند نسلی سیر کاهشی را نشان می‌دهد. به عبارت

دیگر تاثیرپذیری ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی کاهش یافته و تا اندازه‌ای می‌توان ظهور و بروز تئوری تمایز را در حوزه خانواده مشاهده نمود. این یافته نشان می‌دهد اگر عوامل موثر بر کاهش نسلی دین داری و عوامل موثر بر کاهش نسلی توان تبیین آن در حوزه خانواده شناسایی گردد، می‌توان راهکارهای مناسبی در پیشگیری از گسترش ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی ارائه داد.

از دیگر یافته‌های این تحقیق وجود تفاوت جنسیتی در نسل اول و عدم وجود آن در نسل‌های بعدی است. زنان و مردان جوان‌تر به یک میزان به ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی گرایش پیدا کرده‌اند. این یافته ضرورت شناخت بیشتر جنسیت در عرصه خانواده را نشان می‌دهد.

نکته قابل تامل دیگر در تفاوت تاثیر متغیرهای تحصیلات و درآمد در نسل دوم با نسل اول و سوم است که نیاز به مطالعه بیشتری داشته و در این مطالعات باید به تجربیات مختلف نسل‌ها و وجود جنگ و بحران ناشی از آن توجه بیشتری نمود.

همچنین این تحقیق نشان داد ارزش‌های پست‌مدرن در جامعه ما با جوامع فراصنعتی اگرچه به ظاهر مشابه اما در واقع متفاوت است. چرا که در جامعه ما برخلاف جوامع فراصنعتی رابطه منفی میان ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی و احساس امنیت وجود دارد و عمدتاً افراد با تحصیلات پایین‌تر به آن گرایش دارند. بنابراین افزایش تحصیلات و افزایش احساس امنیت نه تنها منجر به گسترش این ارزش‌ها نمی‌گردد بلکه در محدود کردن آن نیز می‌تواند نقش موثری داشته باشد.

نتایج این تحقیق تایید کننده تئوری‌های تداوم و پایداری تاثیر دین داری بر حوزه خانواده و از آنجا که توان تبیین آن از نسل اول به سوم کاهش یافته، در عین حال تایید کننده تئوری تمایز با رشد بطئی است که در نسل‌ها مشاهده می‌شود. همچنین بخشی از تئوری اینگلههارت مبنی بر تغییر نسلی ارزش‌ها و عوامل موثر بر آن تایید می‌شود.

در تحقیقات دانشگاهی تحقیقات کیفی در گونه‌شناسی ارزش‌های خانوادگی و عوامل موثر بر گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی و همچنین عوامل موثر بر کاهش نسلی توان تبیین دین داری در حوزه خانواده پیشنهاد می‌شود.

#### منابع

- اینگلههارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.

- اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*. ترجمه یعقوب احمدی. تهران: انتشارات کویر.
- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- آزادارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمد حسین. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۷(۲۸)، ۴۶۲-۴۳۵.
- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۰). شکاف بین نسلی در ایران. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات کلمه.
- آزادارمکی، تقی و مدیری، فاطمه. (۱۳۹۰). تاثیر متفاوت دین داری بر حوزه‌های عمومی و خصوصی، *مطالعات فرهنگی جوانان*، ۲(۳)، ۲۴-۷.
- آزادارمکی، تقی، مدیری، فاطمه و وکیلی، عارف. (۱۳۸۹). *خانواده ایرانی: فروپاشی یا تغییرات بنیادی با بررسی نقش آموزش عمومی همگانی در بهبود وضع موجود، خانواده و پژوهش*، ۷(۹)، ۸۴-۶۳.
- خالقی‌فر، مجید. (۱۳۸۱). بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل‌کرده ایرانی، عوامل موثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی. *نامه پژوهش فرهنگی*، ۷(۳)، ۱۵۸-۱۰۷.
- دلخوش، محمد تقی. (۱۳۸۸). سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۵(۱۸)، ۲۳۰-۲۰۷.
- ربانی خوراسگانی رسول و صفایی نژاد، فتحیان. (۱۳۸۴). فاصله نسلی با تاکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی مطالعه موردی شهر دهدشت در سال ۱۳۸۲. *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۵۱، ۴۰-۲۱.
- زین آبادی، مرتضی. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه نگرش مذهبی و نگرش جنسیتی با الگوهای خانوادگی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سرایی، حسن. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*. تهران: سمت.
- سرایی، حسن. (۱۳۸۷). گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۳(۶)، ۱۴۰-۱۱۸.

- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰). خانواده، دانشگاه و جامعه‌پذیری مذهبی. نامه علوم اجتماعی، ۱۳، ۵۴-۲۷.
- فاضلی، محمد و کلانتری، میترا. (۱۳۹۱). ارزش‌های دموکراتیک نسل‌ها: مطالعه موردی در شهر ساری. جامعه‌شناسی ایران، ۱۳(۱ و ۲)، ۸۴-۱۰۸.
- گودرزی، سعید. (۱۳۸۸). تغییر ارزش‌های جوانان و عوامل مرتبط با آن. رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۹)، ۴۴۴-۴۲۱.
- مدیری، فاطمه و مهدوی، محمدصادق. (۱۳۹۴). ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در شهر تهران. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱(۴۳)، ۲۹۶-۲۸۱.
- مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۸۵.
- مشیدی، شهرزاد. (۱۳۹۰). تحول معیارهای همسرگزینی جوانان نسبت به والدینشان به تفکیک خاستگاه طبقاتی (پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات تهران).
- ملکی، امیر. (۱۳۸۴). بررسی نظام ارزشی جامعه ایران؛ با تکیه بر نظریه نوسازی و تغییرات فرهنگی رونالد اینگلهارت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان).
- میرفردی، اصغر، احمدی، سیروس و رفیعی بلداجی، زهره. (۱۳۹۰). بررسی اولویت‌های ارزشی معلمان و ارتباط آن با برخی عوامل اقتصادی اجتماعی (مورد مطالعه: معلمان شهرستان بروجن). مطالعات اجتماعی ایران، ۵(۳)، ۱۶۸-۱۴۷.
- نیازی، محسن و پرنیان، لیلا. (۱۳۹۳). سنخ‌بندی دوستی‌های بین دو جنس (مورد مطالعه: دختران جوان شهر کرمانشاه). زن در توسعه و سیاست، ۱۲(۴)، ۵۷۶-۵۵۹.
- وثوقی، منصور و اکبری، حسین. (۱۳۸۹). روندها و عوامل موثر بر تغییر ارزش‌ها یک مطالعه تطبیقی. تحلیل اجتماعی؛ نظم و نابرابری اجتماعی، ۵۹، ۱۲۸-۹۳.
- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- Amato, P.R. & Boot, A. (1995). Changes in gender role attitudes and perceive marital quality. *American Sociological Review*, 60(1), 58 – 66.
- Axinn, W.G., & Thornton, A. (1993). Mothers, children, and cohabitation: The intergenerational effects of attitudes and behavior. *American Sociological Review*, 58, 233-246.
- Bumpass, L.L. (1998). The changing significance of marriage in the United States. In: K.O. Mason, N. Nilsuya, & M. Choe (Eds.), *The*



*changing family in comparative perspective: Asia and the United States* (63-79). Honolulu, HI: East-West Center.

- Cherlin, A. (2004). The deinstitutionalization of American marriage. *Marriage and Family*, 66 (4), 848- 861.
- Dobbelaere, K.( 1993).Church involvement and secularization: making sense of the European case. In: E. Barker, J.A. Beckford and K. Dobbelaere (eds.), *Secularization, rationalism and sectarism* (19-36). Oxford: Clarendon Press.
- Ellison, C. & Sherkat, D. (1993). Obedience and autonomy: religion and parental values reconsidered, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32, 313-329.
- Halman, L. & Moor, R. (1994). Religion, churches and moral values, In: P. Ester, L. Halman and R. de Moor (eds.), *The individualizing society: Value Change in Europe and North America* (37-65). Tilburg: Tilburg University Press.
- Halman, L. & Pettersson, T. (1996). Morality and religion: a weakened relationship?. *Emprical Theology*, 9(2), 30 – 47.
- Manning, W.D., Longmore, M.A. & Giordano, P.C. (2007). The changing institution of marriage: dolescents' expectations to cohabit and to marry, *Journal of Marriage and Family*, 69, 559-575.
- Munch, R.(1990). Differentiation, rationalization, interpretation: the emergence of modern society, In: J.F. Alexander & P. Colomby (eds.), *Differentiation theory and social change* (441- 464). New York: Columbia University Press.
- Smelser, N.J. (1973). Toward a theory of modernization, In: E. Etzioni-Halevy & A. Etzioni (eds.), *Social change* (268-284). New York: Basic Books.
- Wilson, B. (1996). Religious toleration, pluralism and privatization. In: P. Repstad, (ed.), *Religion and modernity* (11-34). Oslo: Scandinavian University Press.